

بازتعریف نرم های جهانی در دهه ۲۰۲۰

با حرکت نظام بین الملل به سوی چند جهان قطبی رخ خواهد داد :

بازتعریف نرم های جهانی در دهه ۲۰۲۰

جهان در دهه 2020، نوعی بازگشت را تجربه می‌کند. این بازگشت نه به سمت جهان دوقطبی دوران جنگ سرد است و نه به سوی نظام تک‌قطبی پس از آن. بلکه در عوض جهان در مدار بازگشت به نظام چندقطبی متشکل از قدرتهای کوچک و بزرگ قرار گرفته و ائتلافها و شراکتها در آن همیشگی نیستند و ماهیتی سیال خواهند داشت. در یک دهه آینده کشورهای نظیر امریکا و چین با بهره‌گیری از قدرت اقتصادی، نظامی، سیاسی و اجتماعی خود مهم‌ترین قطبهای جهان خواهند بود و روسیه و اتحادیه اروپا نیز نقش پررنگی خواهند داشت. هرچند این نقش در مقایسه با چین و امریکا کمرنگ‌تر خواهد بود. در آن سوی جهان، ائتلافهای چندی نیز ظهور خواهند کرد. این ائتلافها می‌توانند منطقه‌ای یا موضوعی باشند و کشورهایی که ذیل این ائتلافها هستند به دنبال منافع و منابع مشترک خواهند بود و سعی خواهند کرد فضای مانور بیشتری در میانه نقش‌آفرینی قدرتهای بزرگ برای خود مهیا کنند.

در یک دهه آینده ایالات متحده امریکا همچنان قدرتمندترین کشور جهان باقی خواهد ماند اما قدرت‌ش در مقایسه با دیگر کشورها به شکلی نسبی افول خواهد کرد. چین همچنان به گسترش حوزه نفوذ و قدرت‌ش ادامه خواهد داد اما برخی مسائل داخلی موجب خواهد شد دامنه قدرت‌ش محدود باشد. روسیه در یک دهه آینده با چالشهای جمعیتی و اقتصادی زیادی روبرو خواهد شد و در پایان دهه آینده، روابط روسیه و چین به واسطه دست برتر چین در معادلات جهانی دستخوش چالشهایی خواهد شد. در این میان، اروپا در یک دهه آینده با بحران هویت

روبرو خواهد شد. چراکه با ظهور جنبش‌های ملی‌گرایانه در اروپا، رویای اروپای واحد که زمانی دلیل اصلی شکل‌گیری اتحادیه اروپا بود، دیگر موضوعیت نخواهد داشت. در یک دهه آینده بحران‌های مالی که اروپا با آن مواجه خواهد شد بر معادلات جهانی اثرگذار خواهند بود. چالش‌هایی که به واسطه پیشرفت‌های تکنولوژیک ایجاد خواهد شد در کنار احیای ناسیونالیسم اقتصادی و فشارهای ایجادشده در خصوص مطالبات افکار عمومی، موجب خواهد شد رویارویی‌های منطقه‌ای در اروپا افزایش یابد. با در نظر گرفتن اینکه دیگر قدرت هژمون یا نظام دوقطبی در جهان وجود ندارد تا نظم و ثبات را دیکته کند، چرخش سیاست جهانی به سمت ائتلاف‌ها و شراکت‌ها در کنار تغییر مدل و الگوی تجارت جهانی و افزایش بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی موجب خواهند شد جهان در یک دهه آینده وضعیت سیال و شناوری داشته باشد. البته در میانه این بی‌ثباتی، فرصت‌های اقتصادی نیز ظهور خواهند کرد. در جنوب شرق آسیا، شرق آفریقا و آمریکای جنوبی به واسطه افزایش جمعیت، رشد شهرنشینی، توسعه زیرساخت‌ها و افزایش مطالبات اجتماعی، فرصت‌های جدیدی به وجود خواهد آمد. اگر کشورهای این مناطق بتوانند روی روندهای رو به رشد تکنولوژیک سرمایه‌گذاری کنند، مسلماً به موتور محرکه رشد اقتصادی جهان تبدیل خواهند شد. وضعیت این مناطق درست نقطه مقابل مناطق شمالی جهان است؛ نقاطی که رشد جمعیت در آنها رو به کاهش است، کشورها روند ریاضت اقتصادی را در پیش گرفته‌اند و میزان مصرف رو به کاهش نهاده، بنابراین سرمایه در دسترس نیز کاهش خواهد یافت. در این میان دوگانگی جمعیت به واسطه رشد مهاجرت، موجب تقویت احساسات ملی‌گرایانه در کشورهای این مناطق خواهد شد. دهه آینده دهه رشد مقاومت در برابر ایده‌هایی نظیر جهانی شدن است. این مقاومت به تدریج شدت یافته و مانیفست‌هایی مبتنی بر تاکید بر ملی‌گرایی، اولویت دادن به منافع داخلی و محلی و در نهایت رویارویی میان دو روند جهانی‌سازی و منطقه‌گرایی تقویت خواهد شد. در میانه چالش‌های جمعیتی و اقتصادی، تمایل برای تکیه بر ظرفیت‌های داخلی و اقدام براساس این نگاه بیشتر خواهد شد. در ذیل سعی خواهد شد آینده ده سال آینده جهان در چند چارچوب اساسی مورد بررسی قرار گیرد.

چارچوب سیاسی: محدودیت ائتلاف‌ها

با در نظر گرفتن این نکته که دیگر قدرت هژمونی در جهان وجود ندارد و به جای آن بلوک‌های رقابتی افزایش خواهند یافت، کشورها دست بازتری خواهند داشت تا روندهای مبتنی بر منافع خود را دنبال

کنند و به این ترتیب ائتلاف‌های ضعیف و شکننده جای ائتلاف‌های جامع و کامل را خواهند گرفت. ملتها در برابر شراکت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی خاص مقاومت خواهند کرد و ترجیح خواهند داد انعطاف‌پذیر باشند. آنچه عادی می‌شود این است که کشورها ترجیح خواهند داد روابط اقتصادی‌شان با یک کشور باشد و روابط امنیتی‌شان با کشوری دیگر. در واقع کشورها دیگر همه تخم‌مرغ‌هایشان را در یک سبد نخواهند گذاشت و سعی خواهند کرد از میان قدرت‌های بزرگ دست به انتخاب بزنند. به‌رغم اینکه تلاش‌ها برای یافتن راه‌حل‌های جهانی و منطقه‌ای افزایش خواهد یافت اما کشورها همچنان به دنبال منافع خود در ائتلاف‌های جهانی خواهند بود. در این میان ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا سعی خواهند کرد چرخشی در سیاست‌های خود ایجاد کنند. چه اینکه اروپا در یک دهه آینده به سمت توجه بیشتر به چالش‌های داخلی‌اش حرکت خواهد کرد و آمریکا نیز تلاش خواهد کرد از میزان و شدت سیاست‌های مداخله‌جویانه‌اش در سراسر جهان بکاهد. نتیجه عملی این تغییر سیاست در ناتو و تحولات نظامی اروپا و آمریکا نمودی نخواهد داشت اما در حوزه تجارت و مدل‌های مالیاتی، طرح‌های مرتبط با تغییرات آب‌وهوایی، سیاست‌های فضای سایبری و دیگر جنبه‌های مدیریت جهانی ظهور و بروز این چرخش مشهود خواهد بود. در عین حال، در 5 ساله نخست دهه آینده، همکاری‌های چین و روسیه در حوزه‌های اقتصادی، نظامی و تکنولوژی، بیشتر خواهد شد. اما در عین حال این دو کشور نسبت به قدرت یافتن دیگری بسیار محتاط خواهند بود. در 5 ساله دوم دهه آینده روسیه در برابر سیاست‌های توسعه‌گرایانه چین خواهد ایستاد. چراکه روسیه در اواخر دهه آینده با مشکل کاهش جمعیت روبرو خواهد شد و در مقابل چین سعی خواهد کرد ارتباطش را با کشورهای آسیای مرکزی و شرق اروپا که زمانی در مدار قدرت روسیه بودند، تقویت کند.

چارچوب اقتصادی: محدودیت‌های جهانی‌شدن تحولات جمعیتی، اقتصادی و تکنولوژیکی موجب خواهد شد فشار فزاینده‌ای برای تغییر الگوهای تجارت جهانی که از دهه 1980 به عنوان نرم‌های جهانی شناخته می‌شدند، ایجاد شود. اگرچه روند جهانی‌شدن متوقف نخواهد شد و زنجیره پیچیده تامین همچنان بر جای خود باقی خواهد ماند، اما کشورها سعی خواهند کرد نگاه‌شان را بیش از گذشته به داخل معطوف کنند و به این ترتیب زنجیره‌های تامین محلی و منطقه‌ای بیشتر تقویت خواهند شد و تجارت منطقه‌ای رونق بیشتری خواهد یافت. واقعیت این است که توافقاتی تجاری چندجانبه به واسطه پیچیدگی و انعطاف‌ناپذیری‌شان با محدودیت مواجه شده‌اند و در نتیجه جای خود را به توافقاتی تجاری دوجانبه و چندجانبه

کوچکتر خواهند داد. این عوامل در کنار افزایش تمایل به ناسیونالیسم اقتصادی موجب خواهد شد شرایط پیچیده‌ای برای همکاری‌های چندجانبه گسترده ایجاد شود و به این ترتیب کشورها به سیاست‌های انفرادی سوق داده شوند.

در یک دهه آینده انتظار می‌رود که رشد اقتصادی جهان به واسطه تغییرات جمعیتی و تحولات ساختارهای تجاری و همچنین همه‌گیری ویروس کرونا کاهش یابد. هر چند در مناطق کمتر توسعه‌یافته جهان رشد اقتصادی با افزایش مواجه خواهد شد. کاهش رشد اقتصادی در کشورهای بیشتر برخوردار موجب بروز نارضایتی‌های اجتماعی خواهد شد چراکه دیگر انتظارات برای افزایش مداوم رفاه قابل برآورده شدن نیست. در این میان بعید به نظر می‌رسد که دلار آقایی خود را بر اقتصاد جهان از دست بدهد اما از میزان مرکزیت دلار در نظام اقتصادی جهانی کاسته خواهد شد. در آن سو چین نیز توانایی نخواهد داشت تا یوآن را به عنوان یک واحد پول بین‌المللی در نظام اقتصاد جهانی جا بیندازد و اروپا نیز به واسطه چالش‌های عدیده‌اش با کاهش ارزش یورو مواجه خواهد بود. در چنین شرایطی است که روسیه و چین با تبادلات مالی خود تلاش خواهند کرد تحریم‌های آمریکا را دور بزنند.

چارچوب‌های امنیتی: محدودیت‌های قدرت آمریکا

تلاش‌های ایالات متحده آمریکا برای تغییر سیاست‌های مبارزه با تروریسم و تمرکز بیشتر بر رقابت با دیگر قدرت‌ها در طول دهه آینده صرفاً موفقیتی نسبی خواهد داشت چراکه خطر تروریسم در یک دهه آینده از میان نخواهد رفت. البته از آنجایی‌که ایالات متحده آمریکا از منابع محدودی برخوردار است بنابراین سعی خواهد کرد به سمت اولویت‌بندی برود. انتظار می‌رود آمریکا در یک دهه آینده به شکلی فعال بازیگران محلی و منطقه‌ای را وادار کند سهم خود را در حوزه امنیتی پرداخته و مسوولیت‌پذیر شوند. در این میان واشنگتن سعی خواهد کرد گهگاه و به هنگام نیاز مبرم، در مسائل امنیت جهانی مداخله کند. اروپا فراتر از محدوده ناتو شاهد تکامل مداوم نقش امنیتی خود خواهد بود. تغییر وضعیت ایالات متحده در خاورمیانه و آسیای جنوبی و پیامدهای عجیب و غریب در آسیای میانه، در نهایت روسیه و چین را به سمت رویکردی فعال‌تر سوق می‌دهد و پکن را مجبور می‌کند تا سرانجام از قدرت خود برای استفاده از نیروهای نظامی خود در خارج از کشور بهره ببرد.

پیشرفت‌های تکنولوژیک توانایی کشورها را متوازن خواهد کرد و موجب خواهد شد تفوق نظامی قدرت‌های بزرگ کاهش یابد. سامانه‌های هوشمند،

عملیات‌های اطلاعاتی و اقدامات سایبری موجب خواهد شد حتی کشورهای کوچک و بازیگران غیردولتی نیز در عرصه امنیتی فعال شوند. در این راستا بازیگران دسته اول و دسته دوم با استفاده از ابزارهای قدرت امنیتی خود سعی خواهند کرد، تسلطی نسبی بر امور پیدا کنند. انتظار می‌رود در یک دهه آینده حرکت برخی از این بازیگران به سمت سلاح هسته‌ای تشدید شود.

فاکتورهایی که دهه آینده را شکل می‌دهند: بازتعریف نرم‌های جهانی

نظم جهانی فعلی بر مبنای ائتلاف آتلانتیک شمالی شکل گرفته است که عبارتند از کشورهای نظیر آمریکا، کانادا و اروپای غربی. مبنای معماری اقتصادی، سیاسی و امنیتی جهان فعلی وقتی قرار داده شد که این ائتلاف الگوهای تجاری، اقتصادی، نظامی و سیاسی را تعیین کرد. اما جهان از زمان پایان جنگ جهانی دوم و به خصوص پس از پایان جنگ سرد بسیار تغییر کرده است. حالا دیگر کشورهای جهان نیز وارد میدان شده و مدعی شکل‌دهی نظم جهانی شده‌اند. آنها استانداردهای خود را دارند و قهرمان‌شان هم چین است. این روند در یک دهه آینده شدت خواهد یافت.

رقابت بر سر اداره جهان صرفاً در روابط بین کشورها نمود پیدا نمی‌کند بلکه نمود اصلی آن در تجارت و تکنولوژی است. در حال حاضر چین جایگاه خود را در دستگاه استاندارد جهانی و نهادهای تصمیم‌گیر آن تثبیت کرده است. این رخداد می‌تواند در روند تغییر و تحول تکنولوژی، از اتومبیل‌های بدون سرنشین گرفته تا هوش مصنوعی و زیرساخت‌های ارتباطی و اینترنت اشیا اثرگذار باشد. مجموعه این رخداد نشان می‌دهد که روابط بین کشورها و قدرت‌های بزرگ در یک دهه آینده بیشتر به سمت واگرایی رفته و اجماع جهانی بر سر مسائل مختلف خواهد شکست. سوال بزرگ در این میان این است که در یک دهه آینده نقش سازمان ملل متحد و به خصوص شورای امنیت سازمان ملل متحد چه خواهد بود؟

5 عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد در یک دهه آینده دیگر نماینده توازن و توزیع قوا در سراسر جهان نخواهند بود چراکه رقابت‌ها بر سر نرم‌ها و استانداردهای جهانی داغ خواهد شد. بنابراین به نظر می‌رسد که موضوع اصلاح ساختار شورای امنیت سازمان ملل متحد در یک دهه آینده بحثی داغ و ادامه‌دار باشد. مشابه همین بحث در خصوص سازمان تجارت جهانی نیز صادق است و انتظار می‌رود این سازمان نیز به واسطه تغییر الگوی توافق‌های تجاری چندجانبه دستخوش تحولاتی ساختاری شود.

تغییر الگوهای تجارت بین‌الملل

الگوی تجارت مبتنی بر دریانوردی موجب شده در صنعت دریانوردی انقلابی رخ دهد. به این ترتیب که سرمایه‌گذاری‌های گسترده و هنگفتی در بنادر و کشتی‌سازی صورت گیرد و حتی ساختار فیزیکی بنادر نیز تغییر کند. نمونه این تغییرات را می‌توان در توسعه کانال پاناما مشاهده کرد. اما به نظر می‌رسد این انقلاب در صنعت دریانوردی به مرزهای محدودیت خود نزدیک می‌شود و در عین اینکه در یک دهه آینده با رکود مواجه نخواهد شد اما کسادی هر چند اندکش موجب بروز دشواری اقتصادی در بسیاری از بنادری خواهد شد که طی چند دهه گذشته از رونق برخوردار بودند. افزایش دستمزد کارگران موجب خواهد شد چین دیگر مرکزی برای تولید ارزان‌قیمت محسوب نشود بلکه در عوض برخی دیگر از مناطق در سراسر جهان رفته‌رفته جایگزین چین خواهند شد. پیش‌بینی می‌شود مراکز تولید ارزان‌قیمت به سمت آسیای جنوب شرقی چرخش کنند.

ترکیبی از چرخش در تکنولوژی، خرید و فروش، الگوهای نیروی کار، آگاهی در خصوص تغییرات آب‌وهوایی و افزایش میل به ناسیونالیسم اقتصادی موجب خواهد شد روند تغییر الگوهای تجاری شدت یافته و الگوهای تجارت منطقه‌ای به تدریج جایگزین زنجیره‌های تامین سنتی شود. تغییر دیگر در حوزه انرژی و تجارت مواد اولیه رقم خواهد خورد. گسترش مسیرهای جدید تجارت در خشکی و دریا از نخستین نشانه‌های این تغییر خواهند بود.

تأثیر تکنولوژی

تکنولوژی یکی از اصلی‌ترین پارامترها در یک دهه آینده خواهد بود. ما در این نوشتار به تکنولوژی در سه حوزه نظام‌های اطلاعاتی، تولید انرژی و تولید کالا خواهیم پرداخت. گسترش نظام‌های اطلاعاتی می‌تواند فرصت‌های آموزشی جدید ایجاد کرده و موجب شود آموزش از تمرکز خارج شده و فرصت‌های آموزشی به شکلی گسترده توزیع شود. در نتیجه این تغییر و تحول، فرصت‌ها نیز بازتوزیع خواهند شد و در نتیجه این بازتوزیع، کشورهای توسعه‌یافته از درون تهی شده و فرصت‌های ناب و برابر برای کشورهای در حال توسعه فراهم خواهد شد. البته تغییرات تکنولوژیک نیازمند انطباق سریع هستند و در نتیجه برخی کشورها به واسطه عدم توانایی برای انطباق از این مسیر بازخواهند ماند. این کشورها اکثراً در نیمکره جنوبی واقع شده‌اند؛ جایی که افزایش جمعیت و کمبود منابع موجب خواهد شد آنها همچنان در فاز آموزش و انطباق باقی بمانند.

پیشرفت‌ها در تولید انرژی‌های جایگزین، ذخیره‌گاه‌های عظیم انرژی و تکنولوژی شبکه‌های هوشمند انرژی می‌تواند کاری با تولید انرژی بکند که زمانی سرویس‌های اینترنت همراه با ارتباطات کرد. این تحولات تکنولوژیک موجب خواهند شد ساخت شبکه‌های انرژی هوشمند تسریع شده و به این ترتیب استاندارد سلامت، آموزش و فرصت‌های کار در بسیاری از نقاط فراهم شود. این روند تاثیر عمیقی بر الگوهای اجتماعی و سیاسی جوامع خواهد گذاشت و همزمان با ایجادکردن فرصت‌ها، موجب بروز بی‌ثباتی‌هایی نیز خواهد شد. کشورهایی نظیر هند و مناطقی نظیر آفریقای مرکزی، جنوب شرق آسیا و امریکای لاتین از جمله مناطقی هستند که این روند بر آنها تاثیرگذار خواهد بود.

تکنیک‌های پیشرفته تولید موجب خواهد شد روند تولید کالا به لحاظ زمانی و مکانی دستخوش تغییر و تحول شود و مواردی نظیر واسطه‌گری و احتکار بعد از چندین دهه از میان برود. تولید پیشرفته و واقعیت افزوده موجب کاهش مصرف مواد اولیه و پایین آمدن هزینه ذخیره‌سازی آن شده و موجب می‌شود روند تولید با فاصله زمانی کمتری از تقاضا انجام شود و به این ترتیب روند توزیع نیز در مقیاس‌های کوچک‌تر انجام خواهد شد. البته انتظار نمی‌رود تغییری عمده در الگوی عمده‌فروشی در یک دهه آینده ایجاد شود اما به نظر می‌رسد تکنیک‌هایی نظیر تولید با پرینترهای سه بعدی به تدریج به روندی غالب در الگوی تولید تبدیل شود. حتی پیش‌بینی می‌شود که در آینده چاپ کتاب هم صرفاً براساس تقاضا و با استفاده از پرینترهای سه بعدی انجام شود. چراکه پرینترهای سه بعدی سرعتی سرسام‌آور به روند تولید می‌دهند. اگر این الگوی تولید به واسطه پیشرفت‌های تکنولوژیک در دانش مواد به نتیجه برسد، می‌تواند فرصت‌های پیش پای کشورهای در حال توسعه را برای تبدیل شدن به مکانی برای تولید کالاهای مورد نیاز برای جهان نابود کند. یکی دیگر از مسائل مهم در یک دهه آینده مسابقه فضایی است. در این عرصه کشورها و شرکت‌های خصوصی باهم در رقابت هستند. از آنجایی‌که ماهواره‌ها نقشی حیاتی در ارتباطات، زیرساخت‌های ارتباطی و امنیت ملی دارند بنابراین به نظر می‌رسد با افزایش رقابت‌ها در عرصه فضایی، این رقابت رنگ و بوی نظامی نیز به خود بگیرد.

تغییرات آب‌وهوایی

در یک دهه آینده، مهم‌ترین تاثیرات فیزیکی تغییرات آب‌وهوایی عبارت خواهند بود از نوسانات شدید بلایای طبیعی ناشی از تغییرات آب‌وهوایی، بحران گسترده کمبود منابع آبی، تغییر در منابع غذایی

دریایی و تلاش کشورها برای دسترسی به قطب، اما فوری‌ترین تاثیرات تغییرات آب‌وهوایی در حوزه سیاسی و اجتماعی احساس خواهد شد. تغییر در روند تولید انرژی و تحول الگوهای حمل‌ونقل موجب بروز تغییراتی در منابع انرژی، صنعت خودرو و زیرساخت‌ها خواهد شد. اتحادیه اروپا که شدیدترین اقدامات را در مبارزه با تغییرات آب‌وهوایی در پیش گرفته نخستین اثرات آن را تحمل خواهد کرد. افزایش نوسانات آب‌وهوا، تغییر الگوهای موسمی و گسترش شهرنشینی که با افزایش مصرف پروتئین حیوانی و منابع آبی همراه خواهد بود می‌تواند چالش‌های گسترده‌ای را در بخش کشاورزی ایجاد کند و این چالش‌ها به بحران‌های کوتاه‌مدت منجر خواهند شد. کشورهای در حال توسعه در خصوص مصرف پروتئین حیوانی بسیار از کشورهای توسعه‌یافته عقب‌تر هستند اما افزایش روند شهرنشینی در این کشورها موجب خواهد شد مصرف گوشت در کشورهای در حال توسعه نیز افزایش یابد و به این ترتیب آب و زمین بیشتری برای تولید غذا مصرف خواهد شد. بحران منابع آب موجب محدود شدن طرح‌های ابتکاری شهری شده و شهرها را وادار خواهد کرد به سمت تکنولوژی شیرین کردن آب بروند. در نقاطی نظیر هند و آسیای مرکزی انتظار می‌رود بحران آب تاثیرات گسترده اجتماعی و سیاسی در یک دهه آینده بر جای بگذارند. تغییر دمای آب اقیانوس‌ها هم‌اکنون نیز موجب تغییر مکان و کوچ منابع غذایی دریایی شده است. این منابع غذایی برای کشورهای آسیای‌پاسیفیک واقع شده‌اند بسیار حیاتی است. با مهاجرت گونه‌های غذایی آبی انتظار می‌رود مرزهای دریایی میان کشورها دستخوش تغییر و تجاوز شود و به این ترتیب انتظار می‌رود در یک دهه آینده شاهد رویارویی کشورها در دریاها و اقیانوس بر سر دسترسی به مواد غذایی دریایی باشیم. انتظار می‌رود این رویارویی‌ها نه تنها در آسیا پاسیفیک مشاهده شود بلکه حتی به مناطق قطبی نیز کشیده شود. تغییرات آب‌وهوایی موجب شده شاهد تغییراتی جدی در قطب باشیم و آب شدن بی‌سابقه یخ‌های قطبی جغرافیای قطب را تغییر دهد. به نظر می‌رسد در یک دهه آینده با افزایش پیشرفت‌های تکنولوژیک، رقابت‌ها برای کنترل بر قطب افزایش یابد.

فرا تر از هیدروکربن

در حالی که تغییرات آب‌وهوایی و پیشرفت‌های اقتصادی و فناوری باعث تغییر در روش تولید و ذخیره انرژی می‌شود، قدرت مبتنی بر هیدروکربن از نظر اهمیت کلی، به افول خواهد گرایید. اما بعید به نظر می‌رسد روش‌های دیگر تولید انرژی، در یک دهه آینده از قدرت

هیدروکربن پیشی بگیرد. گسترش مداوم زیرساخت‌های استخراج گاز طبیعی مایع باعث تغییر جریان تجارت جهانی انرژی خواهد شد، چراکه گاز طبیعی، انرژی پاک‌تری بوده و تنوع بیشتری را برای تامین‌کنندگان و مصرف‌کنندگان انرژی فراهم می‌کند. در امریکای جنوبی، آفریقا و قطب، رقابت برای دسترسی به منابع معدنی استراتژیک موجب افزایش سرمایه‌گذاری‌ها در این منطقه خواهد شد.

عامل جمعیت

در حال حاضر در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته جمعیت رو به کاهش است. تاثیر این کاهش جمعیت رفته‌رفته در یک دهه آینده احساس خواهد شد. نخستین تاثیر منفی این عامل در حوزه امنیت و رفاه اجتماعی پدیدار خواهد شد. دولت‌ها مجبور خواهند شد برای کاهش فشار بر صندوق‌های بازنشستگی، سن بازنشستگی را افزایش دهند. به این ترتیب ورود جوانان به بازار کار سخت‌تر شده و خروج از بازار کار برای افراد مسن نیز با دشواری همراه خواهد شد. از آنجایی‌که با افزایش تعداد بازنشستگان، هزینه بر درآمد پیشی خواهد گرفت، در نتیجه میزان سرمایه در بانک‌ها و نهادهای مالی کاهش خواهد یافت. این تاثیرات منفی ابتدا در اروپا، ژاپن و کره جنوبی احساس خواهد شد. البته کشورهای نظیر ایالات متحده امریکا نیز از این آسیب بی‌گذر نخواهند بود. در کشورهای نظیر چین و هند جمعیت همچنان رو به افزایش خواهد بود و این افزایش جمعیت از یک سو به معنای افزایش نیروی کار است و از سوی دیگر با افزایش شهرنشینی مصرف بیشتر منابع را به دنبال خواهد داشت. این افزایش جمعیت وقتی که با افزایش توقعات همراه شوند ترکیبی از منفعت و زیان را به همراه خواهد آورد. اگر کشورها بتوانند از این افزایش جمعیت در مسیر درست بهره ببرند، می‌توانند در عین مصرف بیشتر، رشد اقتصادی بیشتر را نیز تجربه کنند. اما اگر نتوانند انتظارات جمعیت رو به رشد را برآورده کنند، در معرض نارضایتی‌های اجتماعی و سیاسی قرار خواهند گرفت. تفاوت رشد جمعیت بین دو قسمت از جهان هم‌اکنون نیز موجب بروز آسیب‌هایی شده است. به این ترتیب که در اروپا و امریکا شاهد رشد ناسیونالیسم سیاسی و اقتصادی هستیم که خود را در شمایل تمایلات افکار عمومی علیه مهاجران نشان داده است. اما در پایان این دهه، این تمایلات تغییر خواهد کرد و این کشورها چاره‌ای ندارند جز اینکه به سمت جذب مهاجر و نیروی کار بیشتر بروند تا بتوانند کاهش جمعیت و نیروی کار خود را جبران کنند.

عامل فقر و بهداشت

پیشرفت‌ها در حوزه سلامت و بهداشت، افزایش تعداد زنان شاغل، خانواده‌های کوچک‌تر و تلاش‌های گسترده برای از میان بردن فقر طی 50 سال گذشته موجب ایجاد تغییرات اساسی در معیارهای جمعیتی شده است. جمعیت جهان پیرتر شده است چون میانگین عمر افزایش یافته است. نرخ تولد کاهش یافته است چراکه دیگر کسی انتظار ندارد فرزندش را به هنگام تولد از دست بدهد. پیش‌تر به واسطه نرخ بالای مرگ‌ومیز نوزادان، نرخ تولد بالا بوده تا حداقل چند فرزند از مرگ رهیده باقی بمانند.

با در نظر گرفتن فقر کمتر و میانگین عمر بالاتر، تقاضا برای مصرف منابعی نظیر انرژی، مواد غذایی، زمین و آب آشامیدنی افزایش یافته است. در برخی کشورها این عوامل می‌توانند چالش‌برانگیز باشد و اگر این عوامل درست مدیریت نشوند، نارضایتی‌های اجتماعی در راه خواهد بود.

کاهش فقر، بهبود تغذیه و راهکارهای بهداشتی پیشگیری از بیماری موجب شده انتظارات اجتماعی در سراسر جهان بیشتر شود. این انتظارات می‌تواند دسترسی به شغل مناسب باشد یا خانه مناسب یا آموزش یا دسترسی به خدمات دولتی مناسب. افزایش انتظارات در جوامع همزمان با تلاش دولت‌ها برای برقراری برابری اجتماعی می‌تواند موجب شیوع ناسیونالیسم اقتصادی شود. و همه اینها دولت‌ها را به خصوص با طبقه متوسط درگیر خواهد کرد چراکه همواره این طبقه است که به لحاظ سیاسی فعال است. کار دولت‌ها در این حوزه بسیار سخت است چراکه افزایش ضریب نفوذ اینترنت و شبکه‌های اجتماعی موجب شده جوامع بسیار بیش از گذشته نسبت به حقوق خود آگاه شوند و بنابراین انتظاراتشان نیز افزایش می‌یابد. بنابراین دولت‌ها در يك دهه آینده سعی خواهند کرد دو مسیر را در پیش بگیرند؛ نخست اینکه تلاش کنند با چالش‌هایی که نظم سیاسی را مختل می‌کنند مبارزه کنند و همزمان سعی کنند در جریان اطلاعات خلل ایجاد کرده و کنترل بیشتری بر میزان اطلاعاتی که به جوامع‌شان می‌رسد، داشته باشند.

منابع:

FAO

Oxfam International
Brookings Institute

Perch Perspectives